

دانلد ویلبر

## قوام‌الدین شیرازی

### معمار دورهٔ تیموریان<sup>۱</sup>

ترجمهٔ هدیه نوربخش

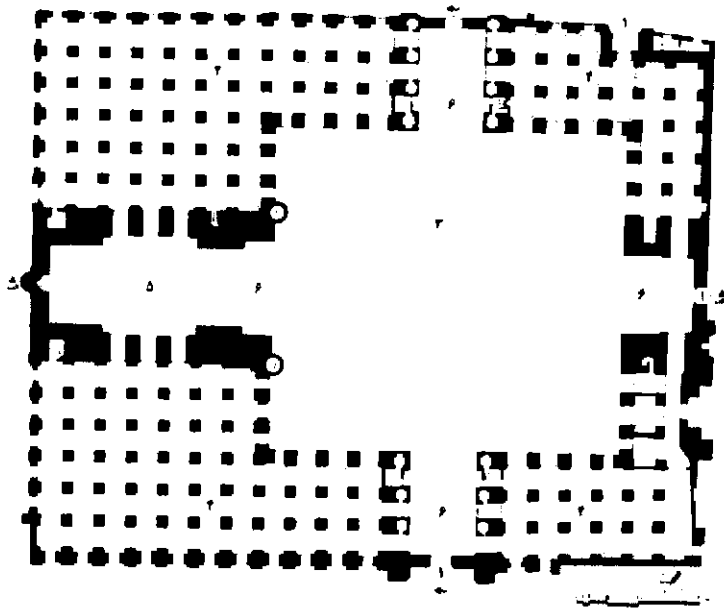
در بناهای باشکوه دورهٔ تیموریان که در طی سالهای [۷۷۱-۹۱۶ق/۱۳۷۰-۱۵۰۶م در ایران و توران ساخته شد، کتیبه‌هایی به عربی و فارسی نوشته شده است. در این کتیبه‌ها، نام نود استادکار ذکر شده و تقریباً در پایان آخرین سطر همهٔ آنها تاریخ هجری آمده است. در دنبالهٔ بسیاری از این نامها، پیشهٔ شخص آمده و در ادامهٔ حدود نیمی از آنها نسبت یا زادگاه او ذکر شده است. این پیشه‌ها عبارت است از: استادکار، معمار، بافی، نجار، مثبت‌کار، حجار، نقاش، کاشی‌کار، بنا، آهنگر، سفالگر. در بسیاری از موارد، ذکر اسامی را با تعابیر و سخنانی متواضعانه، از قبیل خادم فقیر یا بندهٔ ضعیف، آغاز می‌کردند و در دنبالهٔ نام، عبارات دعایی می‌آوردند.

از این میان، تنها یکی از این نامها به منزلهٔ شخصیتی سرشناس قابل شناسایی است. این شخص، که نامش به عنوان طراحی ممتاز در متون و کتیبه‌های اساس در بناهای برج‌مانده ثبت شده، قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی است. نسبت او حاکی از آن است که اهل شیراز بوده است. دولت‌شاه سمرقندی، مورخ آن زمان، نوشته که استاد قوام‌الدین یکی از چهار هنرمند بی‌همتای دربار شاهرخ است و در مهندسی و طراحی و معماری سرآمد است.<sup>۲</sup> (شاهرخ، پسر تیمور، طی سالهای [۸۱۱-۸۵۰ق/۱۴۰۹-۱۴۴۷م در هرات، کرسی خراسان، حکمرانی می‌کرد). «معمار»، که در ترجمه [به انگلیسی] گاهی آن را به «آرکیتکت» برمی‌گردانند، در میان کسان یادشده فقط در کنار نام یکی از آنها آمده است. این واژه با واژهٔ «عمارت» هم‌ریشه است.

بنا بر روایتی، شاهرخ قوام‌الدین را، که متصدی ساخت عمارتی بود، به مدت یک سال از دربارش بیرون راند. در پایان آن دوره، قوام‌الدین در دربار ظاهر شد و تقویمی را که برای سال جدید استخراج کرده بود به شاهرخ تقدیم کرد. سلطان از او پرسید: «تو کار زمین را نکو ساختی/ که با آسمان نیز پرداختی؟»<sup>۳</sup> نخستین سند به‌جامانده از فعالیت قوام‌الدین مورخ [۸۱۲ق/۱۴۱۰م است. او تا زمان مرگش در [شعبان ۸۴۱ق/ فوریهٔ ۱۴۳۸م پیوسته کار می‌کرد. در دو گزارش مربوط به مرگ قوام‌الدین،<sup>۴</sup> همچنین در کتیبهٔ مورخ [۸۴۵ق/ ۱۴۴۲م، در بنایی که پس از مرگ او تکمیل شد، او را استاد خوانده‌اند؛ اما در کتیبهٔ مورخ

قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی، معمار دورهٔ تیموریان، از بزرگ‌ترین معماران ایران است. او در دورهٔ فعالیتش در طی سالهای ۸۱۳-۸۴۲ق با حمایت دو هنرپرور مهم آن عصر، شاهرخ و همسرش گوهرشاد، بناهای باشکوهی در خراسان بزرگ ساخت. آثار منسوب به او عبارت است از: خانقاه و مدرسه‌ای در هرات، مسجد گوهرشاد مشهد، مجموعهٔ معروف به مصلاي گوهرشاد (شامل مسجد و مدرسه و مقبره) در هرات، مقبرهٔ خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات، مدرسهٔ غیاثیهٔ خرگرد خواف. این آثار علاوه بر ویژگیهای بناهای ایرانی همعصرشان، ویژگیهای دیگری هم دارد که منحصر به کار قوام‌الدین است؛ از جمله: آغاز شدن مناره‌های طرفین ایوان از سطح زمین؛ عدول از طرح رایج گنبدخانه؛ طرح شاه‌نشین پنجره‌دار در فضاهاى مختلف؛ عرضهٔ طرحی نو برای گنبد دویوش برای کاستن از بار وارد بر پوش داخلی؛ نوآوری در پوشاندن فضا با رسمی‌بندی؛ تبحر و خلاقیت در طرح و اجرای تزیینات، به‌ویژه کاشی معرق.





۱. مسجد گهرشاد، مشهد، برش افقی، مأخذ: کامبیز حاجی قاسمی (و)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، مساجد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و روزنه، ۱۳۸۳

باشکوه عبارت است از:

خانقاه و مدرسه‌ای که برای شاهرخ در هرات ساخت، به سال [۸۱۳ق/] ۱۴۱۰م؛<sup>۵</sup> مسجد جامع گهرشاد در مشهد، به سال [۸۲۱ق/] ۱۴۱۸م؛<sup>۶</sup> بنای معروف به مصلی، یا همان مدرسه و مسجد گهرشاد در هرات، در فاصله‌ی سالهای [۸۲۰-۸۴۰ق/] ۱۴۱۷-۱۴۲۷م؛<sup>۷</sup> مقبره‌ی خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه در نزدیکی هرات، که برای شاهرخ ساخته شد، در فاصله‌ی سالهای [۸۲۸-۸۳۱ق/] ۱۴۲۵-۱۴۲۸م؛<sup>۸</sup> مدرسه‌ی غیاثیه‌ی خرگرد، به سال [۸۲۵ق/] ۱۴۲۲م.<sup>۹</sup>

خانقاه و مدرسه‌ی هرات فقط از متون دوره‌ی تیموریان قابل شناسایی است.<sup>۱۰</sup> بر طبق این منابع، دو بنای بسیار بزرگ رو به روی هم و در دو سوی صحن قرار داشت. تزیینات نما شامل کتیبه‌هایی راست‌گوشه به عربی از کاشی بود که در زمینه‌ی از سفال بدون لعاب نصب شده بود و نقش‌ونگارهای سرتاسری از آجر یا آجرنما. از هر دوی این فنون پیش از آن در منطقه‌ی توران استفاده می‌شد.

گهرشاد، همسر شاهرخ و مادر امیران خوش‌ذوق،<sup>۱۱</sup> بیست سال حامی قوام‌الدین شیرازی بود. پیش از سال [۸۱۹ق/] ۱۴۱۶م، در زمان پایه‌گذاری مجتمع خیریه‌ی گهرشاد، او از قوام‌الدین خواست تا مسجد جامعی در محوطه‌ی موقوفی حرم امام رضا [ع] در مشهد مقدس بسازد. امام رضا [ع] در سال [۲۰۳ق/] ۸۱۸م وفات یافت و او را در جایی به خاک سپردند که بعدها «مشهد»

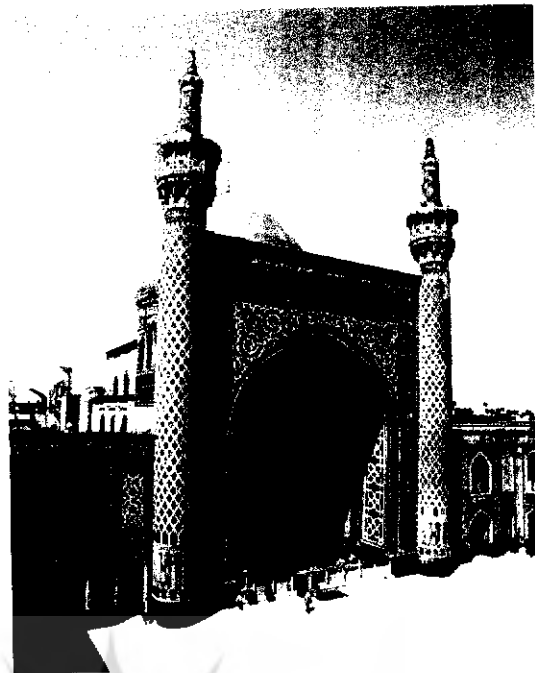
[۸۲۱ق/] ۱۴۱۸م، قوام‌الدین خود را «طیان» نامیده است، که به معنای بت‌نای است که یا آجر یا گل کار می‌کند. این بیان متواضعانه خود یادآور این عبارت در قرآن است که خداوند انسان را از تکه‌ای خاک یا گل [طین] آفرید.

در اینجا این سؤال مطرح است: چگونه بود که او از شیراز، مرکز مهم فرهنگی ایران، به منطقه‌ای در شمال شرق ایران مهاجرت کرد که مدتهای مدیدی آن را خراسان می‌شناختند و شهر بزرگ و مهمش هرات بود؛ یا شاید هم به سمرقند، در توران در شمال آمودریا (جیحون کهن) رفت؟ چرا قوام‌الدین آموختگی و مهارتش را به دربار شاهرخ آورد؟

از آنجا که لشکرکشی تیمور در تمامی بیته‌ی ایران گسترش یافت و از سوی غرب تا دریای مدیترانه و نیز [از سوی شرق] تا هند پیش رفت، برای ساخت بناهای باشکوه در سمرقند به سازندگان و صنعتگران و پیشه‌وران سخت نیازمند بودند. تیمور در شهرهایی که فتح کرده بود — از جمله در بغداد، تبریز، دمشق، دهلی — خود به گرد آوردن هنرمندان و صنعتگران پرداخت. او که در طی سالهای [۷۹۲-۷۹۶ق/] ۱۳۹۰-۱۳۹۴م در شیراز به سر می‌برد، هنرمندان محلی را فراخواند. بر طبق نظر یکی از مورخان آن زمان، بسیاری از این هنرمندان و سازندگان با خواست و میل خود، آزادانه به سمرقند مهاجرت کردند.

مرگ تیمور به سال [۸۰۷ق/] ۱۴۰۵م موجب شد که ساخت بناهای بزرگ در سمرقند خاتمه یابد و موج جدید فعالیت‌های ساختمانی تحت نظارت شاهرخ در هرات و همچنین زیر نظر آخرین پسر او، الغ‌بیک، در سمرقند به وقوع پیوندد.

احتمالاً قوام‌الدین در سمت شاگرد در نزد معماران شیرازی‌ای بوده است که در فاصله‌ی سالهای [۷۹۷-۸۰۱ق/] ۱۳۹۵-۱۳۹۹م در مقبره‌ی خواجه احمد یسوی در ترکستان کار می‌کردند؛ شاید هم در مقام معمار و با شهرت رسمی شیراز را ترک کرده باشد. در هر دوی این حالات، سهم او در معماری تیموری عبارت است از ایجاد تعدادی بنای باشکوه یکپارچه و بزرگ که سبکی مشخص و متمایز دارد. این سبک خاص حاوی عناصر و اجزای طرّاحی ایرانی، خصایص بناهای مُعظم تورانی آن زمان، و مهر و نشان شخصی استاد بود. این بناهای



ت ۲. (راست)  
مسجد گوهرشاد، مشهد،  
ایوان جنوب غربی  
(قبلی). مأخذ: گنجنامه:  
مساجد

ت ۳. (چپ) مدرسه  
الغیبک، سمرقند، نمای  
کاذب در پشت بدنه  
ایوان. عکس از آرست  
کوهن وارنر. ۱۹۲۴ یا  
۱۹۲۵. مأخذ:  
www.archnet.org

واقع است که طاق‌نماهای متعددی دارد؛ و در حقیقت، این بخش نمایی کاذب است. در واقع، نمای ایوان آن‌قدر بلند است که گنبد را فقط از فاصله دور، از انتهای ایوان شمالی، می‌توان دید. انگاره<sup>(۱)</sup> مناره‌هایی که از روی زمین برمی‌خیزد تمهیدی بود که قوام‌الدین شیرازی آن را برای نخستین بار عرضه کرد؛ در حالی که انگاره نمای کاذب پیش از آن در توران سابقه داشت؛ یک نمونه هم‌عصر آن در مدرسه الغیبک در سمرقند، مورخ [۸۲۱ق/۱۴۱۸م، در پشت بدنه ایوان دیده می‌شود (ت ۳).

گنبد مسجد گوهرشاد، با گسستی کامل از سنت ریشه‌دار قرارگیری گنبد بر روی گنبدخانه‌ای یا قاعده چهارگوش، در امتداد ایوان جنوبی و در فاصله بیش از نصف طول آن برپا شده است. قطر گنبد ۱۰ متر است؛ و همان‌طور که از بیرون دیده می‌شود، میان گنبد و مکعب عظیم آجری پایه آن پیوندی از نظر فن معماری در کار نیست. اتاق چهارگوش دومی که به بخش جنوبی گنبد پیوسته است در بیرون نیم‌گنبدی است و در درون آن، در زیر طاق، انبوهی مقرنس آویخته است (ت ۴). در اینجا قوام‌الدین از گنبد داخلی متداولی که برای ایجاد مقیاس انسانی در داخل گنبدخانه‌ها می‌ساختند چشم‌پوشی کرد و محرابی بسیار مرتفع ساخت. اندازه این محراب با ارتفاع داخلی بخش بزرگ‌تر متناسب است؛ اما نامعمول است، چرا که محراب معمولاً با اندازه پیکر انسان تناسب دارد. شاید مؤثرترین کار قوام‌الدین استفاده درخشان او از کاشی معرق در این بنا باشد. به‌جز در زیر نیم‌گنبد که با گچ سفید پوشیده شده و زیرگنبد که نقاشی شده است، همه سطوح بیرونی و نمایان بنا را با این نوع کاشی پوشانده‌اند (ت ۵). کاشی معرق را می‌توان چنین تعریف

(محل شهادت) نام گرفت. در طی قرون، مجموعه بناهایی در اطراف مزار او پدید آمد که گنبدی باالیهت بر تارک آن قرار گرفته بود. مسئله طراحی پیش روی قوام‌الدین این بود که مسجد چهارایوانی متعارفی را درون مجموعه موجود به طرز مناسب جای دهد (ت ۱). شاید در آنجا ساختمانی اولیه تخریب شده باشد؛ ایوان کم‌عمق‌تر شمالی تا حدی بیانگر آن است که این بخش انتهایی مسجد به عناصر [از پیش] موجود متصل بوده است.<sup>۱۱</sup>

در سال ۱۳۰۹ش / ۱۹۳۰م، گنبد با بتن مسلح بازسازی<sup>۱۲</sup> و کاشیهایش به‌دقت مرمت شد؛ به طوری - که این بنا را می‌توان با همه شکوه و جلال اصلی‌اش دید. در اواخر دهه ۱۳۱۰ش / ۱۹۳۰م، چندین سال به غیرمسلمانان اجازه می‌دادند از این بخش از حرم بازدید کنند؛ اما این دوره تسامح پیش از تکمیل مطالعه و عکس‌برداری از بنا به پایان رسید.

صحن میانی ۴۰ متر درازا و ۳۵ متر پهنا دارد. بر انتهای جنوبی این حیاط، با ایوانی در میانه و مناره‌هایی در طرفین آن تأکید معماری شده است. مناره‌ها به جای آنکه، مانند بناهای پیشین، از بالای ایوان آغاز شود، از روی زمین آغاز شده است (ت ۲). بخشهایی که در دو سوی ایوان قرار گرفته است صورتی نمایش دارد؛ در اشکوب دوم، ردیفی از ایوانچه‌های بسته قرار گرفته است؛ در بالای این تراز، صفحه‌ای با حدود ۲ متر ارتفاع

(1) concept



ت ۴. (راست)  
مسجد گوهرشاد، مشهد.  
محراب، مأخذ: گنجنامه،  
مساجد

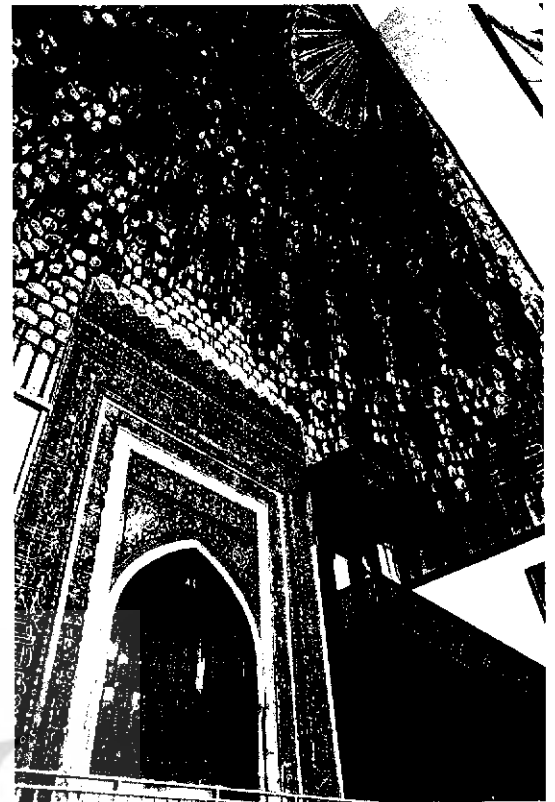
ت ۵. (چپ، بالا)  
مسجد گوهرشاد، مشهد،  
جبهه شمال غربی حیاط.  
مأخذ: گنجنامه، مساجد

ت ۶. (چپ، پایین)  
مسجد گوهرشاد، مشهد،  
تزیینات بدنه ایوان  
جنوب غربی، مأخذ:  
گنجنامه، مساجد



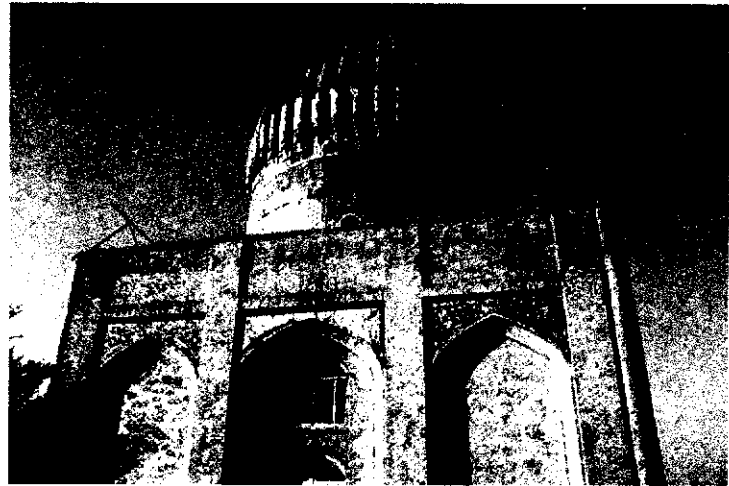
شده است. در قابی جداگانه چنین نوشته شده است: عمل  
بنده ضعیف فقیر نیازمند به عنایت خداوند ملک رحمان،  
قوام الدین بن زین الدین شیرازی طیّان [(عمل العبد  
الضعیف الفقیر المحتاج لعنایت الملک الزّمن قوام الدین ابن  
زین الدین شیرازی الطّیان)]<sup>۱۴</sup>.

قوام الدین شیرازی در سال [۸۲۰ق/] ۱۴۱۷م  
ساخت مجموعه‌ای برای گوهرشاد را در هرات بر عهده  
گرفت. بایر، مؤسس سلسله گورکانیان هند، آن را به  
سال [۹۱۲ق/] ۱۵۰۶م دیده و گفته است که این



کرد: تکه‌های کوچک از کاشی، در رنگها [و شکلهای] مختلف، که آنها را با نظم و آرایشی مطابق طرح و نقش در کنار هم می‌چینند و برای پوشاندن سطوح معماری به کار می‌برند. این فن در ایران ایجاد شد و بسط یافت و به گستره امپراتوری تیموری نیز آورده شد. در بنای معظم مسجد گوهرشاد، فن معرق‌کاری به نحوی استادانه عرضه شده است. گرچه دامنه رنگی در کاشی معرق شامل چندین رنگ است؛ رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای و سفید رنگهای اصلی تعیین‌کننده ترکیب رنگی است. ظاهراً قوام‌الدین دو گونه معرق پدید آورده است: بر روی مناره‌ها، قطعات تزیینی کوچک [از کاشی] درون زمینه آجری کار گذاشته‌اند؛ در حالی که در پوشش سطح دیوارها، اجزا و نقوش تزیینی [از آجر و کاشی] چند سانتی‌متر بالاتر از زمینه کاشی معرق قرار گرفته است (ت ۶).

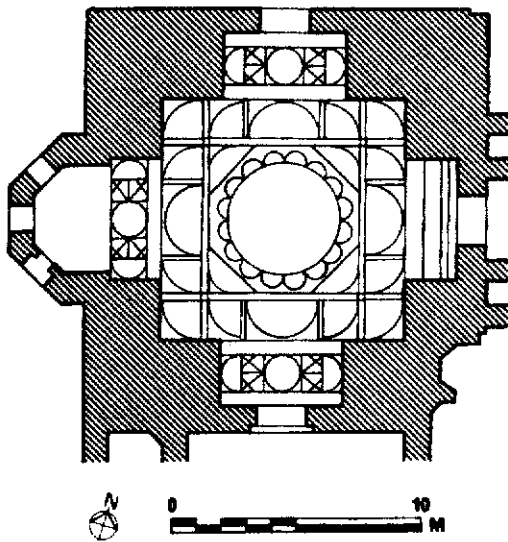
از مشخصه‌های نمای ایوان جنوبی کتیبه عظیم آن است که متنی فارسی در بر دارد. این کتیبه را بایسنقر، فرزند گوهرشاد که خوشنویس بود، طراحی کرده و در آن تاریخ اتمام و تکمیل مسجد [۸۲۱ق/] ۱۴۱۸م ذکر



ت ۷. (راست) مقبره گوهرشاد، هرات. عکس از بهزاد مرتضوی، ۱۳۸۵

ت ۸. (چپ) مقبره گوهرشاد، هرات. برش افقی

مجموعه مدرسه و مقبره و مسجد جامع گوهرشاد بوده است. به عبارت دقیق‌تر، این مجموعه مشتمل بر مسجد و مدرسه‌ای بوده که محورهای بلند [اصلی] شان با هم موازی است. هر دوی این ساختمانها پلان چهارایوانی متداول با صحن بسیار بزرگ و مناره‌های بیش از حد بلندی دارد که در هریک از چهار گوشه بنا قرار گرفته است. در سال [۱۲۷۱ق/ ۱۸۵۵م] مهندسان انگلیسی که به دستور حاکم وقت افغان کار می‌کردند محوطه را تا حد زیادی ویران کردند و بدین ترتیب زوال و تخریب بنا به شدت تسریع شد. با رسیدن اخبار مربوط به پیشروی قریب‌الوقوع روسها، حاکم افغان از اینکه مهاجمان این مجموعه را پناهگاه خود کنند هراس داشت؛ پس مناره‌ها را نگاه داشتند تا از آنها چون نشانه‌ای برای نشانه‌گیری و هدف‌گیری توپ [به منظور به توپ بستن مجموعه] استفاده کنند.<sup>۱۵</sup> امروزه تنها دو مناره باقی مانده است. طراحی که در سال [۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۵م] از محوطه ویران تهیه شده و توصیفی که در سال [۱۳۰۴ق/ ۱۸۸۷م] از آن شده حاکی از این است که مسجد به شکل مستطیلی عظیم بوده و در هر گوشه آن مناره‌ای نیمه‌چسبیده به بنا قرار داشته است. بنا چهارایوانی بوده و حجره‌هایی در دو طبقه دورتادور حیاط قرار داشته است. نمای رفیع ایوان اصلی به گنبدخانه‌ای بزرگ و گنبدخانه‌های کوچک‌تر در پشت آن منتهی می‌شده است. این بار قوام‌الدین [برخلاف آنچه در مسجد گوهرشاد مشهد انجام داده بود] گنبد را بر روی ایوان قرار نداد؛ طرح مناره‌های چسبیده [به ایوان] که در مسجد مشهد به کار رفته بود، یک گام پیش رفت، تا جایی که در اینجا مناره‌ها تنها



در بخش کوچکی از ضخامتشان به ایوان متصل شد؛ اما روش تزیینی‌ای که برای مناره‌های مشهد به کار رفته، و عبارت است از نقش لوزی‌شکل معقلی، در مدرسه هرات تکرار شد.

از تخریب مقبره گوهرشاد، که در گوشه شمال‌غربی مدرسه جای گرفته بود، چشم پوشیدند؛ و از این رو، این بنا در وضعی کمابیش مساعد باقی مانده؛ گرچه قسمت فوقانی گنبد خارجی آن فروریخته است (ت ۷). گنبدخانه قاعده‌ای مربع‌شکل دارد (ت ۸)، در هر دیواره‌اش غرفه‌ای عمیق و قوس‌دار قرار گرفته و در غرب طاق‌نمای ضلع غربی شاه‌نشینی به شکل نیم‌هشت وجود دارد؛ در بالای ازاره این بخش فرورفته، سه پنجره نمایان است. طرح شاه‌نشین پنجره‌دار منحصر به کار قوام‌الدین شیرازی است.

چهار قوس از روی جرزه‌های [هر چهار] فرورفتگی برخاسته و در فاصله کمی بالاتر از ۱ متر از گوشه‌ها [پاطاق] شان با هم تلاقی می‌کنند (ت ۹). طاقت‌های نیم‌گنبدی که روی قوسهای [بیرونی] فرورفتگیها قرار گرفته پشت‌بند چهار تویزه رسمی‌بندی است؛ در عین حال، نظام مقرنسی که بر روی تویزه‌های رسمی‌بندی قرار گرفته است قاعده هشت‌گوش گنبدخانه را می‌سازد. تزیینات گچ‌بری سازه اصلی را پنهان و مقرنسه‌های گچی تمامی سطوح را با شبکه‌ای از قوس و نیم‌گنبد پر می‌کند. جزئیات تزیینی به رنگهای ارغوانی، فیروزه‌ای و لاجوردی، لاک، و طلاپی رنگ‌آمیزی شده است. حالت



ت ۹. (چپ) مقبره گوهرشاد، هرات. عکس از بهزاد مرتضوی، ۱۳۸۵

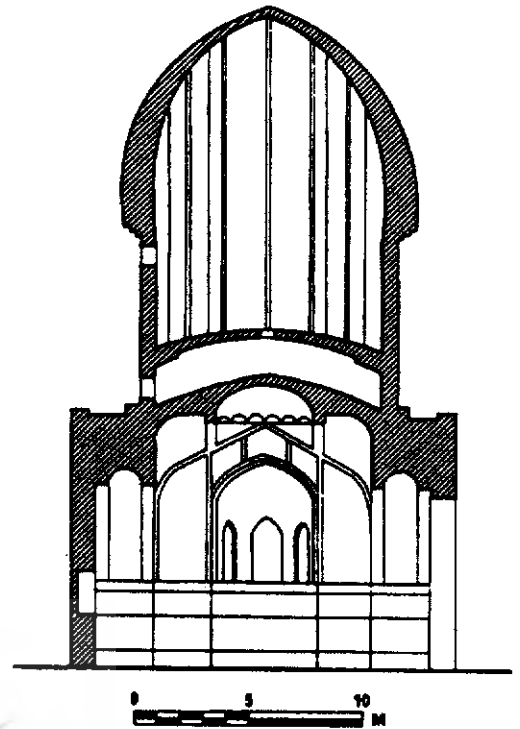
ت ۱۰. (راست) مقبره گوهرشاد، هرات. برش عمودی

کردن بار بر روی گنبد نازک داخلی اجتناب کرد و بر روی این عنصر نگهدارنده تعدادی خشخاشی (به صورت شعاعی) ساخت که در گنبد خارجی فرورفته است و آنها را با تیرهای چوبی به هم بسته‌اند.

ساختمان مدرسه به سال [۸۳۵ق/] ۱۴۳۲م تمام شد و بایستقر، پسر گوهرشاد، را در سال [۸۳۹ق/] ۱۴۳۶م در آن به خاک سپردند. مسجد هم به سال [۸۴۰ق/] ۱۴۳۷م تکمیل شد؛ ولی کار تزئینات کاشی معرّف و سنگ مرمر آن تا زمان مرگ قوام‌الدین به پایان نرسید.<sup>۱۴</sup>

این مجموعه معظم — دو بنای عظیم مرتبط با یکدیگر که معمار قصد داشته از تمامی جوانب دیده شود — شاهکار قوام‌الدین است. اینکه ساخت بنا در حدود بیست سال طول کشید نشان می‌دهد که منابع مالی نامحدودی برای تزئینات و طراحی آن در اختیار بوده است.

ساخت زیارتگاه خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه، در حدود چهارکیلومتری شمال‌شرقی هرات، بر طبق یکی از متون آن زمان، در سال [۸۲۸ق/] ۱۴۲۵م، احتمالاً بر روی بقایای بنای کهن‌تر، آغاز شد. به نظر می‌رسد تزئینات این بنا به سال [۸۳۱ق/] ۱۴۲۸م کامل شد؛ زیرا این تاریخ بر روی سطحی با تزئینات غنی درج شده است. معروف است که بنا به فرمان شاهرخ ساخته شده؛ و با مقایسه سبک معماری‌اش [با آثار قوام‌الدین]، چنین می‌نماید که سازنده‌اش قوام‌الدین شیرازی بوده است. این زیارتگاه پلان چهارایوانی‌ای دگرگون‌شده دارد (ت ۱۱). تمرکز عمده در معماری بنا بر ایوان شرقی



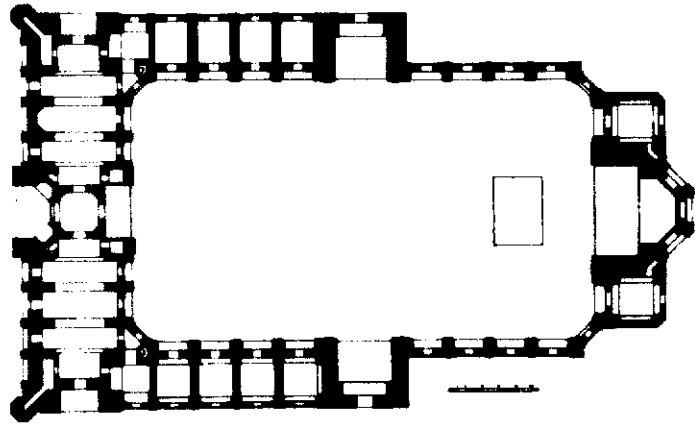
اثیری طاق با جزئیات و تزئینات پرکار تقویت شده است. قوام‌الدین در به‌کارگیری رسمی‌بندی برای پوشاندن فضاهایی با قاعده مربع و مستطیل مبتکری متهور بود.

در بیرون مقبره گوهرشاد، در نماهای غربی و شمالی، نماهای مقدسی چون الله و محمد به چشم می‌خورد. این کتیبه‌ها را به صورت مقلی با قطعات کوچک کاشی ساخته‌اند. این نوع تزئینات تا سال [۸۰۲ق/] ۱۴۰۰م در منطقه توران رواج داشت. ساختمان گنبد مقبره از طرحی پیروی می‌کند که قوام‌الدین بنیاد نهاده بود. در طی حکومت تیمور، گنبد شلجمی رایج بود. نمونه بارز آن گور امیر تیمور در سمرقند است که به سال [۸۰۶ق/] ۱۴۰۴م به پایان رسید. گور امیر گنبد داخلی‌ای کم‌ارتفاع دارد؛ به گونه‌ای که تالار مقبره مقیاسی انسانی یافته است. همچنین بنا گنبد خارجی‌ای سربه‌فلک‌کشیده دارد، که باید مانع از هم‌گسستن قسمت محدب غیرسازه‌ای‌اش می‌شدند. سازنده گنبد به راه حلی موقتی اکتفا کرده است: در تیزه سطح بیرونی گنبد داخلی تنه درختی را به شکل عمودی قرار داده که تعدادی اجزای چوبی افقی از آن منشعب و به تیزه گنبد خارجی متصل می‌شود. قوام‌الدین شیرازی راه حل بهتری یافت؛ او با ساختن گنبد دومی با خیز کم درست بر بالای گنبد داخلی (ت ۱۰)، از وارد



وجود دارد که گروههای تزئین‌کار پس از سفت‌کاری بنا وارد کار می‌شدند. تعدادی از بناهای عظیم که دو یا چند تاریخ دارد بیانگر این است که ای‌سا جریان کار تزئینات ساها به طول می‌انجامیده است. در مورد این بنا، سفت‌کاری و تزئینات در کل تنها سه سال طول کشید. این امر در کنار مهارت و استادی به‌کاررفته در طرح کاشیهای معرّق این فرض را پیش می‌کشد که قوام‌الدین طراحی تزئینات را خود انجام می‌داده و گروه صنعتگرانی را همراه خود داشته که هم‌زمان با ساخت بنا، کار تزئینات را به انجام می‌رساندند.

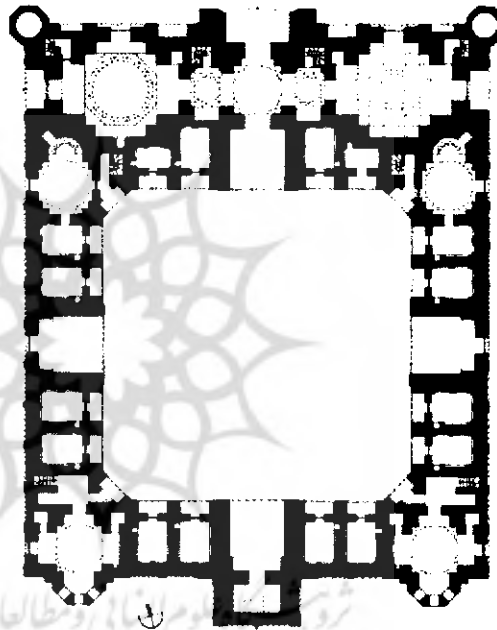
مدرسه غیائیه در خرگرد واقع شده است، که روستایی کوچک [در نزدیکی خواف] در حدود ۱۵۰ کیلومتری جنوب مشهد است (ت ۱۳). این بنا به فرمان [غیاث‌الدین] پیراحمد [خوافی] ساخته شد. ۱۷ او وزیر شاهرخ بود و شهرتش [خوافی] نیز از نام همین محل می‌آید. در یکی از کتیبه‌ها چنین آمده که بنا به دست استاد مرحوم قوام‌الدین شیرازی بنا شد و با کار بنده، غیاث‌الدین شیرازی، (در سال ۸۲۵ق/ ۱۴۲۲م) به پایان رسید [بنت هذه المدرسة الغیائیه علی ید العبد المرحوم استاد قوام‌الدین شیرازی و نکتت بعملی العبد استاد غیاث‌الدین شیرازی]. بدین ترتیب، این بنا تقریباً هم‌زمان با مجموعه گوه‌رشاد هرات در حال ساخت بوده است.



ت ۱۱. (راست، بالا). مزار خواجه عبدالله انصاری، گازرگاه، برش افقی

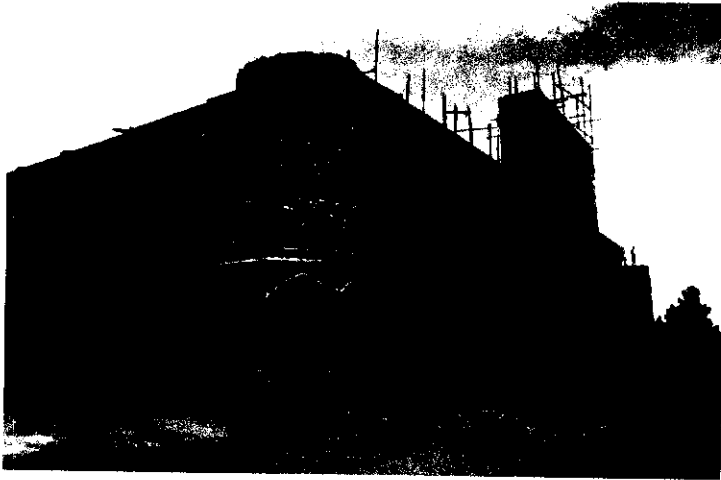
ت ۱۲. (چپ) مزار خواجه عبدالله انصاری، گازرگاه، ایوان شرقی. عکس از بهزاد مرتضوی، ۱۳۸۵

ت ۱۳. (راست، پایین) مدرسه غیائیه، خرگرد، برش افقی. مأخذ: حاجی‌قاسمی، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: مدارس، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹



قرار گرفته است که ارتفاعش به حدود ۳۰ متر می‌رسد (ت ۱۲). این ایوان شاه‌نشینی چندگوش دارد که سه روزنه در آن گشوده می‌شود. این همان طرحی است که قوام‌الدین در مقبره گوه‌رشاد در هرات و در [مدرسه غیائیه] خرگرد به کار برده است. بدنه‌های این ایوان با کاشی معرّق چشم‌گیری و با نقوش خارق‌العاده پوشانده شده است.

دیوارهای زحمت و غالباً ناصاف خارجی نشان تعجیل در تکمیل بناست. توجه بر به کارگیری مصالح تزئینی در سطوح داخلی بنا متمرکز بوده است. در اینجا شرح مختصری از روشهایی که [در ساخت و تزئین بنا] به کار می‌رفته است مناسب می‌نماید. عمدتاً این اعتقاد



ت ۱۴. (چپ) مدرسه  
غیاثیه، خرگرد، جبهه  
شمالی بنا، مأخذ: همان  
ت ۱۵. (راست) مدرسه  
غیاثیه، خرگرد،  
گنبدخانه (جمع‌خانه)  
شمال شرقی، مأخذ: همان

که در جبهه پستی بنا و در قسمت بیرونی گوشه‌ها قرار گرفته شبیه به گنبدخانه مقبره گوهرشاد هرات است؛ چرا که در این دو نیز بیرون زدگی به شکل نیم‌هشت با پنجره هست. گوشه‌های پنج در چهار گوشه صحن پله‌ها را از نظر دور نگه می‌دارد. این گوشه‌های پنج در مقبره خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه نیز به چشم می‌خورد.

هشتی به دو گنبدخانه بزرگ نیز راه دارد. در سمت چپ هشتی، تالاری که جمع‌خانه خوانده می‌شود؛ و در سمت راست، نمازخانه<sup>۱۸</sup> با محرابی در درون آن، قرار گرفته است. این دو فضا یادآور دو تالاری است که در زیارتگاه گازرگاه از هشتی منشعب شده و در کنار آن قرار گرفته است (ت ۱۱). در مورد تالارهای مقبره خواجه عبدالله در بالا سخنی نگفتیم. برای پوشاندن دهانه تالار، رسمی‌بندی به کار برده‌اند و فضای میان قوسهای مجاور را با طاق ضربی پوشانده‌اند. این طاقها به سبک و سیاق طاقهای مقبره گوهرشاد است؛ اما طاق‌زنی در جمع‌خانه مدرسه خرگرد یک گام پیشرفت داشته است (ت ۱۵). چهار تویزه متقاطع نگهدارنده تراز بالاتر است، که شامل تویزه‌های رسمی‌بندی و حلقه‌ای از مقرنس است. این مجموعه، با هم، پایه گنبد گچ‌اندود داخلی را شکل می‌دهد. هشت پنجره در این گنبد گشوده شده است. تکه‌های شیشه با چهار رنگ حاکی از این است که پنجره‌ها شیشه‌های الوان داشته است. گنبد آجری بیرونی گنبد ظریف داخلی را حفظ می‌کند و در خود آن نیز بازشوهایی هست.

در پلان هر دو طبقه مجموعه اتاقهایی در اندازه‌های مختلف دیده می‌شود و در آن، پستوها و فرورفتگیهای



این مجموعه در مسافتی کمتر از ۲۰۰ کیلومتر از هرات واقع است. به عبارتی، می‌توان گفت فاصله این دو محل از هم معادل یک سفر چهارروزه در آن زمان بوده است. مدرسه بنایی منفرد [با چهار جبهه آزاد] است. سطوح خارجی بنا با نقش‌ونگارها و [خطوط بنایی شامل] اسامی مقدس بر روی زمینه آجری تزیین شده است و قطعات تزیینی [معمولی] به شکل قطعات ریز آجر و کاشیهای رنگین است. نمای باهت جبهه ورودی (ت ۱۴) از سه بخش تشکیل شده است: سردر میانی؛ مجموعه طاق‌نماها در طرفین سردر، شامل سه طاق‌نما در هر سمت؛ و برجهایی در هریک از گوشه‌های بنا. در هریک از گروههای سه‌تایی طاق‌نماها، طاق نمای میانی از بقیه عریض‌تر و بلندتر و کم‌عمق‌تر است؛ بدین ترتیب ضرب‌آهنگ نما چنین است: آب‌ج‌ب‌دب‌ج‌ب‌آ. «آ» نشان برجهای کنج، «ب» طاق‌نماهای عادی، «ج» طاق‌نماهای عریض‌تر میانی، و «د» سردر است.

سردر به هشتی منتهی می‌شود و این هشتی خود به ایوان رو به صحن باز می‌شود. سه ایوان دیگر به همراه این ایوان طرح چهارایوانی بنا را کامل می‌کنند. دو گنبدخانه



مصطفوی، محمد تقی، *اقلیم پارس*، آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۳.  
نوابی، میرعلیشیر، *مجالس الشافعیان*، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۲۴.

درون دیوار و برج بادگیر و بیرون زدگیهایی [به صورت شاه‌نشین] بارز است. اینها حاکی از تمهیدات شخصی [قوام‌الدین] است که در کنار یک حامی، خوب از کار درآمده است.

برخی از ویژگیهای متمایز کار این استاد شیرازی که نامش، قوام‌الدین بن زین‌الدین، به معنای ستون دین فرزند زیور دین است، در این مقاله عرضه شد. مصالح ساختمانی مدرسه ساخته قوام‌الدین در خرگرد، در طی قرون به سرعت رفته، مقبره گازرگاه متحمل سیل و دیگر خسارات و بلایا شده و کار جسورانه و باشکوه او در هرات عامدانه تخریب شده است؛ تنها مسجد گوهرشاد مشهد است که درخشش اولیه‌اش را حفظ کرده است.<sup>۱۹</sup> □

Allen, Terry. *A Catalogue of the Toponyms and Monuments of Herat*, Cambridge, Mass., 1981 (xerox).

Golombek, Lisa. *The Timurid Shrine at Gazur Gah*, Toronto, 1969.

Herzfeld, Ernst. "Damascus, Studies in Architecture", in: *Ars Islamica*, x (1943).

Khanikoff, N. "Lettre i M. Reinaud", in: *Journal asiatique*, 5th ser. xv (1860), pp. 537-543.

Lezine, A. "Herat: Notes de Voyage", in: *Bulletin d'Etudes Orientales*, XVIII (1963-1964), pp. 127-145.

O'Kane, Bernard. "The Madrasa al-Ghiyasiyya at Khargird", in: *Iran*, XIV (1976), pp. 79-92.

———. "Tayabad, Turbat-i Jam and Timurid Vaulting", in: *Iran*, XVII (1979), pp. 175-77.

Pope, A. U. (ed.), *A Survey of Persian Art*, Oxford, 1938.

———. *Persian Architecture: the Triumph of Form and Color*, 1965.

Sykes, P. M. "Historical Notes on Khurasan", in: *Journal of the Royal Asiatic Society*, (October 1910).

Yate, C. E. "Notes on the City of Hirat", in: *Journal Royal Asiatic Society*, Bengal, LVI, pt 1 (1887), pp. 84-106.

## کتاب‌نامه

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان صنیع‌الدوله. *مرآت البلدان*.

———. *مطلع الشمس، تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان*، با مقدمه و فهرس و اهتمام تیمور برهان لیموده، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲، ج ۲.

حافظ ابرو. *جغرافیای حافظ ابرو*، قسمت ربع خراسان: هرات، تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۴۹.

———. *زبده التواریخ*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۴.

خواندمیر. *تاریخ حبیب السیر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام، ۱۳۸۰، ج ۴.

دولت‌شاه سمرقندی. *تذکره الشعراء*، تصحیح محمد عباسی، تهران.

———. *تذکره الشعراء*، به کوشش محمد رضانی، تهران، خاور، ۱۳۶۶.

سلجوق، فد. *خیابان*، کابل، ۱۳۴۳ق.

———. *گازرگاه*، کابل، ۱۳۴۱ق.

عبدالرزاق سمرقندی. *مطلع السعدین*، تصحیح محمد شفیع، لاهور، ۱۹۴۶.

فصیح احمد خوانی. *مجموع فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۹۶۲-۱۹۶۳.

گلمبک، لیزا و دونالد ویلبر. *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

## پی‌نوشتها:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Donald Wilber, "Qavam al-Din ibn Zayn al-Din Shirazi: A Fifteenth-Century Timurid Architect", in: *Architectural History*, Vol. 30. (1987), pp. 31-44.

۲. برای آگاهی بیشتر، نک: دولت‌شاه سمرقندی، *تذکره الشعراء*، ص ۲۵۷-م.

۳. در این باره در *حبیب السیر* آمده است: «حکایت مشهور است و بر السنه و افواه مذکور که نوبتی حضرت خاقان سعید به سبب عمارتی از استاد قوام‌الدین رغیبه مدت یک سال او را رخصت در آمدن به بارگاه عالم‌پناه ارزانی نداشتند؛ و چون استاد در علم نجوم نیز ماهر بود تقویمی استخراج کرده بعد از آنکه اجازت ملازمت یافت آن را پیش برد. حضرت خاقان تبسم نموده این بیت بر وی خواند که — بیت:

تو کار زمین را نکو ساختی / که با آسمان نیز برداختی؟» - خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۱۴-۱۵.م.

۴. اخبار مربوط به وفات قوام‌الدین در دو کتاب مجمل نصیحی و تاریخ حبیب السیر آمده است.م.

5. Terry Allen. *A Catalogue of the Toponyms and Monuments of Herat*, no. 486.

6. A. U. Pope (ed.), *A Survey of Persian Art*, pp. 1016, 1124-26, 1133, 1791, fig. 424, Pls 428-36; P. M. Sykes, "Historical Notes on Khurasan", pp. 1139, 1146-48;

صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه، *مرآت البلدان*، ج ۴، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ همو، *مطلع الشمس*، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷.

7. Pope, op. cit., pp. 1128-29, 1134. figs. 404-407, pl. 487e;

ف. سلجوقی، *خیابان*؛

Yate, "Notes on the City of Hirat", pp. 84-106; Khanikoff, "Lettre à M. Reinaud", pp. 537-43; *Lezine*, "Herat: Notes de Voyage", pp. 127-145.

8. Golombek, *The Timurid Shrine at Gazur Gah*;

ف. سلجوقی، *گازرگاه*.

9. Pope, op. cit., pp. 1126-1128, 1134-1136, 1142, fig. 402; Herzfeld, "Damascus, Studies in Architecture", pp. 20-21; O'Kane, "The Madrasa al-Ghiyasiyya at Khargird", pp. 79-92; idem, "Tayabad, Turbat-i Jam and Timurid Vaulting", pp. 175-177; Pope, *Persian Architecture: the Triumph of Form and Color*, pp. 197-198, pl. VIII, figs 192-193, 259-260.

۱۰. از ساخت خانقاه و مدرسه هرات در این منبع یاد شده است: حافظ ابرو، *زبدة التواریخ*، ج ۳، ص ۴۱۲.م.

۱۱. منظور بایستقر و الغیبیگ و ابراهیم سلطان است. بایستقر از خوشنویسان بنام و از کتاب دوستان عصر بود. الغیبیگ خود بانی بناهای متعددی در این دوره بود؛ از جمله مدرسه و خانقاه الغیبیگ در میدان ریگستان سمرقند و توسعه مجموعه شاه زنده.م.

۱۲. ویلبر معتقد است بر اثر وضع بناهای متقدم بر مسجد و معاصر آن دگرگونی‌هایی در طرح پلان پدید آمده؛ از جمله در سمت شمال شرقی [به علت وجود ابنیه در این قسمت] ایوان با عمق کم پدید آمده است. - لیزا گل‌میک و دونالد ویلبر، *معماری تیموری در ایران و توران*، ص ۴۵۹.م.

۱۳. به نظر می‌رسد نویسنده در اینجا در مورد تاریخ بازسازی گنبد دچار اشتباه شده است؛ چرا که خود در کتاب *معماری تیموری در ایران و توران* تاریخ ۱۹۶۰ را برای بازسازی گنبد ذکر کرده است؛ نک: گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۴۵۹.م.

۱۴. متن عربی کتیبه را از این کتاب برگرفته‌ایم: محمدحسن خان صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه، *مطلع الشمس*، ج ۲، ص ۴۳۵.م.

۱۵. مجموعه مصلّا در سال ۱۸۵۵ به دستور عبدالرحمن خان و به اصرار نماینده بریتانیا ویران شد. انگلیسیان از اینکه امکان داشت روسها از واحه پنجمه، تقریباً در یکصد مایلی شمال هرات، به سوی این شهر پیشروی کنند، نگران بودند. در آن سال، دورتن از مهندسان انگلیسی از هرات دیدن کردند تا شهر را برای دفاع آماده کنند. عقیده بر این است که آنان توصیه کردند این بناها ویران شود تا روسها نتوانند از آنها به منزله پناهگاه استفاده کنند. بنا بر روایت دیگر، آن بناها پیش از سال ۱۸۸۵ م خود به صورت ویرانه درآمده بود. گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۴۱۷.م.

۱۶. قوام‌الدین به سال ۸۴۲ ق درگذشت؛ و احتمالاً علت توقف کار تزئین مسجد هرات مرگ وی بوده است. همان، ص ۴۱۸.

۱۷. خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی وزیر شاهرخ تیموری است و بنای مسجد مولانا زین‌الدین در تأیید از دیگر آثار وی است. - محمدتقی مصطفوی، *تقسیم پارس*، آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس، نقل شده در: حاجی قاسمی، *گنجنامه*، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، ج ۵، ص ۱۱۲.م.

۱۸. نویسنده این فضا را مسجد نامیده است؛ اما چون مسجد به بنا اطلاق می‌شود نه به فضا و همچنین از آنجا که منظور نویسنده به احتمال زیاد محلی برای نمازگزاران بوده است، آن را نمازخانه خواندیم.م.

۱۹. در کتاب *معماری تیموری در ایران و توران*، از لیزا گل‌میک و دانلد ویلبر، قوام‌الدین بن زین‌الدین شیرازی با رویکردی متفاوت بررسی شده است.



گنجینه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی